

سابقه تاریخی حکومت نظامی - در فرانسه :

در شماره قبل اولین پایه حکومت نظامی با ذکر علت و معرفی وضعیت اجتماعی عصر و با توجه بموضوعاتی که سابقه تاریخی آنرا در ایران معلوم میدارد بیان داشتیم. اینک با تشریح سابقه حکومت نظامی در فرانسه و انگلستان و امریکا موضوع را دنبال نموده با نشر قانون حکومت نظامی مصوب ۲۷ سرطان ۱۳۲۹ قمری در ایران در مقام مقایسه آن بر خواهیم آمد امید است که این موضوع از لحاظ جنبه تاریخی و قضائی کامل شده سوابق آن که در رشته مقالات بعدی گنجانده میشود کاملاً محفوظ مانده و حق مطلب ادا گردد.

اعلام حکومت نظامی -

حکومت نظامی را میتوان چنین تعریف کرد اقدام قانونی برای حمایت تمام یا جزئی از قلمرو کشور در صورت خطر قریب الوقوع که از جنگی خارجی و یا شورش مسلحانه ناشی شده باشد.

قوانین مربوط به حکومت نظامی عبارت است از قانون نه اوت ۱۸۴۹ که بوسیله قانون ۲۷ آوریل ۱۹۱۶ اصلاح شده است و قانون ۳ آوریل ۱۸۷۸ و فرمان ۲۶ دسامبر ۱۹۴۴.

اصولاً برای استقرار حکومت نظامی تصویب قانون لازم است و این قانون شهر و استان و بطور کلی ناحیه‌ای را که باید حکومت نظامی در آن برقرار شود معین میکند و هنگامیکه جنگی خارجی وجود حکومت نظامی را ایجاب کند معمولاً حکومت نظامی در سراسر کشور اعلام میشود و لایحه قانونی ۱۹۳۶ همین کار را کرد.

استثناء رئیس جمهور میتواند در دو مورد مختلف حکومت نظامی را اعلام کند:

۱ - هنگام تعطیل مجلسین، که در اینصورت دو روز پس از اعلام حکومت نظامی مجلسین باید تشکیل جلسه دهند.

۲ - هنگام انحلال مجلس مبعوثان - و در اینصورت همینکه مجلسین تشکیل شود در مورد الغاء یا ابقاء حکومت نظامی رأی میدهد و اگر مجلسین در این باره با هم اختلاف داشته باشند حکومت نظامی بخودی خود الغاء میشود در مستعمرات اعلام حکومت نظامی با فرماندار است که باید بلافاصله گزارش آنرا بدولت بدهند و بالاخره در میدان جنگ و مراکز نظامی، اصولاً فرمانده نظامی میتواند حکومت نظامی را اعلام کند ولی باید بلافاصله به دولت گزارش دهد و اگر رئیس جمهور در این مورد ابقاء حکومت نظامی را لازم داند باید پیشتر ابقاء آنرا به مجلس ملی تقدیم دارد.

استقرار حکومت نظامی بهر طریقی که باشد، باید به اطلاع عامه برسد و اگر شرایط زمان و مکان اجازه ندهد که اقتدار حکومت نظامی را از طرق معمولی به اطلاع عامه برسانند کفایت که بنحوی مؤثر مردم را از وجود آن مطلع کنند و بدین طریق شورای دولتی فرمائی که حکومت نظامی را اعلام داشته است قانونی شناخته است یا آنکه بعلت بهم ریختگی بایگانی محل، تشخیص نحوه ابلاغ این فرمان به عامه مردم ممکن نبوده ولی ثابت شده که مردم از وجود این فرمان باخبر شده‌اند.

قواعد صلاحیت

حکومت نظامی تغییری در سازمان محاکم نظامی دائم نمیدهد بلکه برداثره صلاحیت آنها می‌افزاید گاهی نیز در یک ناحیه هم حالت جنگ با دولت خارجی وجود دارد و هم حالت حکومت نظامی. در ناحیه‌ای که حکومت نظامی استقرار یافته است محاکم نظامی نخست به کلیه جرائم می‌رسند که رسیدگی بدانها در صلاحیت محاکم نظامی است و از طرف دیگر بموجب بند ۲ ماده ۷ قانون دادرسی ارتش به جای محاکم دریائی به جرائمی نیز می‌رسند که با شرکت افراد ارتش زمینی و نیروی دریائی در مورد کشتی‌ها و یا تأسیسات دریائی صورت گرفته است.

علاوه بر این صلاحیت اضافی الزامی، در صورت اعلام حکومت نظامی، محاکم نظامی صلاحیت اضافی اختیاری نیز دارند.

ماده ۱۷۱ قانون دادرسی ارتش به آنها اجازه میدهد که صلاحیت محاکم عادی را در مورد جرائم مذکور در قانون ۹ اوت ۱۸۴۹ و جرائم مذکور در ماده ۶ قانون ۲۷ آوریل ۱۹۱۶ در مورد وظائف و صلاحیت محاکم نظامی هنگام جنگ، سلب کند.

در اینجا این مشکل پیش می‌آید که غرض از این سلب صلاحیت چیست؟ ماده ۸ قانون ۱۸۴۹، صلاحیت محاکم نظامی را بدلیخواه محاکم نظامی با این عبارت کشدار توسعه میدهد.

محاکم نظامی میتواند به جنحه و جنایت علیه امنیت جمهوری و قانون اساسی و علیه نظم و آسایش عامه رسیدگی کند سمت مباشرین و معاونین جرم هیچ تأثیری در این صلاحیت ندارد.

البته این حکم در زمان حکومت نظامی است و عبارت مبهم این قانون در تفسیر مجادلاتی را بمیان آورده است که برای فیصله دادن بدین مجادلات ماده ۶ قانون ۲۷ آوریل ۱۹۱۶ کوشیده است که حدود قوانین توسعه صلاحیت را مشخص کند. این قانون دو نوع حکومت نظامی قائل میشود یکی آنکه بر اثر جنگ خارجی بمیان آمده است و دیگر آنکه بعلت شورش مسلحانه امتداد یافته است.

اگر اعلام حکومت نظامی بعلت اخیر باشد توسعه اختیاری صلاحیت محاکم نظامی در مورد افراد غیر نظامی محدود است به جرائم مذکور در قانون دادرسی ارتش و برخی از جرائم مذکور در قانون جزا که موضوع آنها کم و بیش با اخلال در امنیت خارجی

سابقه تاریخی حکومت نظامی

یا داخلی بستگی دارد و اگر حکومت نظامی بر اثر جنگی خارجی باشد توسعه صلاحیت محاکم نظامی بیشتر است و علاوه بر جرائم مذکور رسیدگی به جرائم مذکور در ماده ۶ قانون ۲۷ آوریل ۱۹۱۶ نیز با آنهاست.

این قانون در آغاز به جرائمی خاص توجه دارد از قبیل، داشتن رابطه با دشمن، تحریک سربازان به نافرمانی، و پس از آن بنحوی کلی رسیدگی به جرائم دفاع ملی را بعهد محاکم نظامی میگذارد جرائم ضد دفاع ملی عبارتی کشار است که رویه قضائی دیوان کشور هم آنرا بیشتر توسعه داده است چه این رویه میگوید که غرض از بند ۹ ماده ۶ قانون ۲۷ آوریل ۱۹۱۶ آن نیست که مباشر جرم قصد زیان رساندن به دفاع ملی را داشته باشد بلکه کافیهست که مجرم قاصداً یکی از بنگاههای عمومی را که دفاع ملی بدان متکی است از کار بیندازد و این عمل در زیان رساندن به دفاع ملی مؤثر باشد.

بموجب این تفسیر بود که در طی جنگ ۱۸ - ۱۹۱۴ جرائم گوناگون حتی تخلفات ناشی از شکار بری و بحری سربازان را به محاکم نظامی احاله میدادند چه میگفتند حکومت نظامی در سراسر فرانسه اعلام شده است و افراط محاکم نظامی در این باره به اندازه ای بود که گاهی فرمانده نظامی به محاکم نظامی یادآور میشد که محاکم عادی باید به جرائم غیر نظامی برسند و هنگامی سلب صلاحیت آنان جائز است که علتی سیاسی و مهم آنرا ایجاب کند و بدون وجود این علت نباید این صلاحیت را سلب کرد.

دیوان کشور با توجه بدین عقاید در تصمیمات جدید خود سخت گیر تر شده است و از همین روست که در رای ۸ اوت ۱۹۴۷ مقرر داشته است که در نواحی تابع حکومت نظامی محاکم نظامی هنگامی میتوانند به جرائم غیر نظامیان رسیدگی کنند که این جرائم ضد دفاع ملی باشد و دیوان کشور برای حفظ نظارت خود در اجرای این تعریف لازم میداند که عناصر جنحه یا جنایتی که حاکی از اضرار به دفاع ملی باشد در سوالاتی که از هیئت مقننه میشود ذکر شود عدم این تصریح موجب نقض حکم محکومیت به ارتکاب قتل و ضرب و جرح است.

الغاء حکومت نظامی :

حکومت نظامی را قوه مقننه یا فرمان دولت در تاریخ مقرر الغاء میکنند و بدین طریق حکومت نظامی که بموجب لایحه قانونی اول سپتامبر ۱۹۳۹ اعلام شده بود در تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۴۵ بموجب فرمان دولت الغاء شد.

با وجود الغاء حکومت نظامی، محاکم نظامی بموجب ماده ۱۳ قانون ۹ اوت ۱۸۴۹ رسیدگی به جرائمی را که قبلاً به آنها احاله شده بود، ادامه دادند و در زمینه کسی که در زمان حکومت نظامی به حکم غیابی محکوم شده بود پس از الغاء نیز او را بموجب همان قرار اولی احاله بدادرسی در محاکم نظامی محاکمه کردند.

حکومت نظامی در مستعمرات فرانسه نیز تابع مقررات حکومت نظامی در خود فرانسه است و از آن گذشته علمای حقوق بر این عقیده اند که قانون حکومت نظامی در هر جا که فرانسه مأمور حفظ نظم باشد مجری خواهد بود مطابق پیمان نظامی فرانسه و ویتنام کلانتر عالی

میتواند اعلام آماده باش دهد و بموجب این اعلام قدرت قوای انتظامی به مقامات نظامی منتقل میشود و در پیمان نظامی فرانسه و لائوس همین امر پیش بینی شده است .

حکومت نظامی در آمریکا و انگلستان

در کشور : آنگلوساکسون محاکم حکومت نظامی جزئی از دادرسی ارتش است و برای قانون نظامی یادادرسی ارتش و حکومت نظامی دولغت خاص است که یکی را اومارا « Military law » و دومی را « Mantial law » می نامند که دومی همان حکومت نظامی بمعنی اخص است در قانون نظامی یا دادرسی ارتش تعریف محاکم نظامی و طرق دفاع و جرائم ارتشی با جرائم مربوط به امنیت داخلی و خارجی و احیاناً هتک عفت به عنف ذکر شده است ولی حکومت نظامی وضعی استثنائی است که بر اثر حالت جنگ یا انقلاب سلحخانه در تمام یا جزئی از کشور اعلام میشود .

در انگلستان حکومت نظامی اساساً محکمه ای ندارد و فرماندار نظامی میتواند در ناحیه خود محاکم کشوری را الغاء کند. بزرگترین حکومت نظامی که در انگلستان اعلام شده است حکومت نظامی در ایرلند بوده است و در خارج از کشور نیز هر جا قوای مسلح انگلیس با جنگ وارد شود حکومت نظامی اعلام میشود و در داخله پس از الغاء حکومت نظامی مجلس انگلستان قانونی بنام قانون غراست حکومت میگذارند و بموجب آن کسانی که در داخل کشور از افراد حکومت نظامی زیان دیده اند زیان خود را از دولت مطالبه میکنند. در فرانسه در زمان صلح ریاست محاکم نظامی با مستشاران استیناف است و در انگلستان اعضاء محاکم نظامی از لحاظ قضائی تابع محکمه کشوری هستند .
حال به نشر قانون حکومت نظامی میپردازیم :

قانون حکومت نظامی. مصوب ۲۷ سرطان ۱۳۲۹ قمری :

- ماده ۱ - از وقتیکه اعلان حکومت نظامی شود اموری که راجع بانیت و آسایش عمومی است با تصویب هیئت وزراء بتوسط وزارت جنگ اجرا خواهد شد.
- ماده ۲ - باید محاکم نظامی موقتی تشکیل داده شود که با سرعت و شدت در تقصیرات و افساداتی که برضد امنیت و آسایش عمومی است رسیدگی شود.
- ماده ۳ - تمام حکام محاکم نظامی باید اهل نظام باشند.
- ماده ۴ - اشخاصیکه عملاً برضد دولت مشروطه و امنیت و آسایش عمومی اقدام و خیانت آنها مدلل شده باشد محکوم بقتل خواهند بود.
- ماده ۵ - اشخاصیکه سوءظن مخالفت با دولت مشروطه و امنیت و انتظام عمومی در حق آنها بشود قوه مجریه حق توقیف آنانرا خواهد داشت و پس از توقیف باستنطاق آنان شروع میشود و هر گاه در استنطاق سوءظن بکلی رفع نشود شخص مظنون در توقیف باقی و بعد از اختتام حکومت نظامی بعدلیه تسلیم خواهد شد.
- ماده ۶ - هر گاه هیئت محاکم نظامی تخفیف مجازات مقصری را مقتضی بدانند این حق را خواهند داشت که بتوسط وزراء مسئول از مقام نیابت سلطنت تخفیف مجازات

سابقه تاریخی حکومت نظامی

شخص مقصراً درخواست نمایند و غیر از هیئت حاکمه احدی حق این توسط را نخواهد داشت.
ماده ۷ - مأمورینیکه تأمین شهر بعهد آنان واگذار است در صورت سوءظن حق دخول بمنازل و اجرای تحقیقات خواهند داشت در صورت مقاومت و مخالفت جبراً میتوانند داخل شوند و مخالف و مقاوم تهرماً دستگیر و موافق حکم محکمه نظامی قویاً سیاست خواهد شد.
ماده ۸ - روزنامه‌جات و مطبوعات اگر برضد اقدامات دولت انتشاراتی بطبع رسانند نمرات روزنامه و اداره روزنامه توقیف خواهد شد در صورتیکه تحریک بضدیت دولت شده باشد متصدیان یا مدیران آنها موافق حکم محکمه نظامی مجازات خواهند شد.
ماده ۹ - مجازاتیکه در حق مستخدمین دولت و کسانیکه متصدی امور دولتی بوده‌اند مقرر میشود قابل تخفیف نیست.

ماده ۱۰ - اجتماعات و انجمنها در مدت حکومت نظامی باید بکلی موقوف و سترک باشد اگر اجتماعی منعقد شود بمجرد اخطار اولی پلیس باید متفرق شوند و در صورت مقاومت یا مخالفت مقاوم یا مخالف جلب بمحکمه نظامی و محکوم بمجازات خواهد شد.
هر گاه اجتماعات مزبوره کلاً یا بعضاً مسلح باشند مقارن همان اخطار اولی حاملین اسلحه توقیف و موافق حکم محکمه نظامی مجازات میشوند.

ماده ۱۱ - حمل اسلحه از هر قبیل جز برای مأمورین دولت که مأمور نظم امنیت عمومی هستند اکیداً ممنوع است هر گاه سلاحی در دست کسی غیر از مأمورین دولت دیده شود اسلحه ضبط دولت و حامل آن موافق حکم محکمه نظامی مجازات میشود.

ماده الحاقیه اول - مأمورینی که افشای اسرار تلگرافی و کتبی دولت را بنمایند جلب محکمه نظامی شده قویاً سیاست خواهند شد.

ماده الحاقیه دوم - حکومت نظامی شامل نقاطی خواهد شد که دولت در آن نقاط اعلان حکومت نظامی را لازم بداند.

*** * * * * *

در شماره بعد - دنباله تاریخ حکومت نظامی در ایران را بیان و تشریح نموده همانطور که وعده کردیم در اطراف قوانین و مقررات فوق بحث‌های لازم را دنبال خواهیم کرد.